

# نوع اهل و انهم : در مطلق و مقید قرآن

مطلق آن است که به ما صحت بودن آن را ثابت کند. اگر در معنای دو هم مطلق و مقید داریم، مطلق را بر مقید اول می گویند ولی اگر یک مطلق در دو بار مقید گفته شده بود، هیچ یک از دو مقید اولی بر هیچ یک از دو هم اولی نمی گویند.

کودانی!

میرزا عدالت : ✓ دانشمند را ذوی عمل بنم \* ✓ شهاده بنم از حضرت ادریس الموت عن الرضا  
در جمع عبارات مطلق  
آنان ذوا عمل بنم \*

مطلق اول بر مقید اول ✓ دانشمند را از با علم \* ✓ با ذرا فتم الهم سوالی فاشهدوا علیهم \* این در عمل بنم

مقید بودن اول از مقید دومین و مطلق گذاشتن آن در موارد دیگر ✓ این بعد از مقید بودن با اولین \*

مطلق گذاشتن تمام عبارات بعد از مقید دومین.

مقید بودن آزادی بر مقید بودن در لغت مطلق گذاشتن آن در لغت نهاد و بگویند.

مقید بودن کسب و جهیز ✓ ال امراتی \* و مطلق گذاشتن آنها در تمیز.

مقید بودن اجابت عمل در بریدن شدن به برگ در حال کفر ✓ این برتر است بنم من دینه نیت و تلو طاهر... \*

مطلق گذاشتن آن در آیه ✓ این غیر بالامان نقد ضبط عمل \*

مقید بودن مرتب کردن عیال به سبوح (رکبه شده) در سوره انفک و مطلق گذاشتن آن در سوره عیال در سوره

در مذمت شایع تمام این مطلق ها را اهل بر مقید می کنند بعضی از علما معتقد به آن نیستند.



پونہ دوم:

→ مقید نمودن روزہ در لغت قتل و ظهار به یکی ادبی بودن و مقید نمودن روزہ جمع به متفرق بودن و مطلق نگذاشتن کفار سکونت و قضای ماه رمضان → نمی توان بر سره مقید حمل نمود و صحیح کدام نیز مرجح نیست.

→ اگر بپذیریم که مطلق را باید بر مقید حمل کرد، آیا از وضع لغت است یا قیاس؟

۱. از روشهای عرب است که اطلاق را دوست دارند و برای ایجاز و اختصار به یک یا در مقید القای کند.

۲. بگردان حکم مطلق نزد میاید و بر دو حکم مطلق بوده و اختلافشان تنها در اطلاق و مقید باشد.

حمل مطلق بر مقید جایز است. ولی در غیر این صورت جایز نیست، مانند امری بشتن اخصای غایب.

و صواب (اصل بشتن) که در تسمی قوط دو عضو را گفته ولی ما آنرا بر دو صفت حمل نمی کنیم.

یا در لغت چهار که آزاد کردن بوده یا در زره گرفتن یا غذا دادن آمده ولی در لغت قتل قوط در مورد اول آمده که نمی توان آنرا بر لغت چهار حمل نمود.